

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از مشرق انوار

درباره‌ی اندیشه، آثار و
فلسفه‌ی سهروردی

مسعود ربیعی‌فر

سرشناسه	: ربیعی فر، مسعود، ۱۳۴۱ - توشیحگر
عنوان و نام پدیدآور	: از مشرق انوار: درباره‌ی اندیشه، آثار و فلسفه‌ی سهروردی / مسعود ربیعی فر.
مشخصات نشر	: آستانه‌اشرفیه: مینوک، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: [۲۱۳]ص.
شابک	: 978-622-95525-6-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: واژه‌نامه.
عنوان دیگر	: درباره‌ی اندیشه، آثار و فلسفه‌ی سهروردی.
موضوع	: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹ق. -
موضوع	: ۵۸۷ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	: سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹ق. -
موضوع	: ۵۸۷ق. -- دیدگاه درباره اشراق (فلسفه)
موضوع	: اشراق (فلسفه) Ishraqiyah
رده بنبری کنگره	: BBR۲۴۵
رده بندی دیویی	: ۱/۹۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۴۷۴۱۰
اطلاعات ر کتود کتابشناسی	: فیبا



از مشرق انوار

نویسنده	: مسعود ربیعی فر
ناشر	: نشر مینوک
طرح جلد	: فرهاد وارسته
حروفچینی و صفحه‌آرایی	: هنر و اندیشه
نوبت چاپ	: اول ۱۴۰۰
شمارگان	: ۵۰۰ نسخه (تدریجی)
چاپ	: پیشگام
قیمت	: ۵۰۰۰۰ تومان
شابک	: ISBN ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۵۲۵-۶-۸

کلیه‌ی حقوق برای مؤلف محفوظ است و هرگونه کپی برداری به موجب قانون پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
زمینه‌های پژوهش درباره‌ی سهروردی.....	۱۷
زندگی‌نامه‌ی شیخ شهاب‌الدین سهروردی.....	۲۳
چگونگی شهادت شیخ اشراق.....	۲۹
اندیشه‌های سهروردی و منابع حکمت اشراق.....	۳۵
وجه تسمیه‌ی اشراق.....	۴۵
ادامه‌دهندگان و شارحان افکار سهروردی.....	۵۵
زمینه‌های تفکر سهروردی.....	۶۷
آثار شیخ اشراق.....	۷۷
نگاهی به رساله‌های رمزی و تمثیلی	
سهروردی.....	۸۱
رساله‌ی لغت موران.....	۸۳
رساله‌ی آوازِ پرِ جبرئیل.....	۸۶
رساله‌ی عقل سرخ.....	۹۱
قصه‌ی الغربه‌ الغریبه.....	۹۴
صفیر سیمرغ.....	۹۹
روزی با جماعت صوفیان.....	۱۰۵
رساله فی حالة الطفولیه.....	۱۰۹
مونس العشاق.....	۱۱۰

- ۱۱۸ واریسی دو کتاب دیگر از سهروردی
- ۱۲۰ حکمة الاشراق
- ۱۲۳ هیاکلانور
- ۱۳۳ دیدگاه‌ها درباره‌ی سهروردی
- ۱۴۷ راه عقل و راه دل
- ۱۵۹ سهروردی در ترازوی نقد و نظر
- ۱۶۹ سخن آخر
- ۱۷۷ سهروردی‌نامه
- ۱۷۷ جستجو در منابع سهروردی‌شناسی
- ۱۸۰ ۱- آثار و رسایل سهروردی؛
- ۱۸۲ ۲- مقالات تحقیقی
- ۲۰۹ واژگان انگلیسی متن

پیشگفتار

آیا جهان آفرینش براساس دو قطب متضاد و ناهمگون بنا شده؟ و آیا تناقضات موجود در جهان هستی، ریشه در اندیشه‌ی دو بُنی دارد، آن چنان که چنین اندیشه‌ای به زرتشت، پیامبر، حکیم و مصلح اجتماعی عهد باستان نیز منسوب و منتسب است! اگر چنین است، اندیشه توحیدی در این میان چه نقش و نگاری دارد؟ اندیشه‌ی دو بُنی در پی ایجاد و اثبات قطب‌های ناهمگون و ناهمگن بین اجزای هستی است مانند ضدیت دو بار مثبت و منفی در جریان‌های متناوب و یا متوالی الکتریسته و دو جنس مخالف یا بهتر بگوییم دو وجود مکمل مانند، زن و مرد در تداوم و بقای آفرینش نوع انسان، و دو مفهوم تاریکی و روشنایی و خیر و

شر. زیرا ضد هر چیز، بخش مکمل آن چیز بوده و محتوای کلی هر چیز، حکایت از جامعیت روابط متضاد آن پدیده می‌کند. اگرچه در بین اندیشمندان معاصر، اندیشه‌های دوئنی به طریقی به چالش کشیده شده و از میان اندیشمندان قدیم نیز تفکر دوئنی مبنی بر اختلاف اجزای عالم از دریچه‌ی دیگری نگریسته شده است مانند؛

این جهان جنگ است چون کل بنگری

درو با ذره چو دین با کافری

آن یکی ذره همی یزد به چپ

و آن دگر سوی یمین اندر طلب

که از سوی مولوی ابراز شده و منظور او از جنگ در ایات یاد شده، خصومت و نزاع بین اجزای عالم نبوده، بلکه او درصدد بیان ترکیب و امتزاج مزاج عناصر طبیعی عالم برآمده که در روند تکامل خلقت، اصلی ضروری و لازم است. اما سؤال اینجاست که آیا تصوف اسلامی نظر به هستی داشته یا نظریه‌ای در آن باره است؟ شکی نیست که تصوف اسلامی، در بُعد نظری، ابتدا نگاه و تأملی عمیق نسبت به هستی داشته، سپس در ادوار بعدی

نظریاتی در این باب به منصّه‌ی ظهور در آمده و در این نظرگاه‌ها بوده که خود را از برکه به دریا و آنگاه به اقیانوس بیکران هستی متصل کرده است. گرچه بعضی از دیدگاه‌ها مایل‌اند تا عرفان شرقی، اعم از اسلامی و ایرانی را «عرفانی غمناک و اندیشه‌ای تسلیمی قلمداد کنند که برخلاف روال خوشبینانه‌ی انسانگرایی غربی است»^(۱)، اما صرف‌نظر از این توصیفات بجا و نابجا، درباره‌ی تصوف ایرانی باید گفت که همچون نهر بزرگی است که ادیان، فرق و مذاهب گوناگون، بشان شاهراهی خود را به آن رسانده و در نهر بزرگ آن که اکنون دیگر به اقیانوس پرآبی بدل شده بود، خود را شست و شو داده و در این دادوستد صوفیانه، بهره‌هایی قابل توجه به همدیگر رساندند. این تصوف از شهر پیامبر آغاز و در امتداد زمان به سرزمین‌های پهناور تا دشت‌های حاصلخیز آفریقا گسترده شد. در این تصوف که به تعبیر گرانسنگ ابوبکر محمد بخاری کلاباذی^(۲)، صوفی و فقیه حنفی‌مذهب قرن چهارم هجری؛ «در ابتدا حقیقتی بی‌نام بوده و اکنون، نامی بی‌حقیقت!» از هر نحله و نژاد و آیین و مسلکی رد پای

می‌توان در آن یافت و یکی از این رد پاها در تصوف پرفرازونشیب جهان اسلام که اگرچه به تعبیر کم دقت برخی از مستشرقان که آن را وامدار از فرهنگ‌های دیگر دانسته‌اند، اما اثر و نشان و فکر و فرهنگ ایرانی را می‌توان به وضوح در آن دید، اندیشه‌های عارف و فیلسوف اشراقی ایران، سهروردی است که غالباً از او به عنوان یکی از تأثیرگذاران مهم در تصوف اسلامی نام می‌برند که هنوز در جهان اندیشه به عنوان چهره‌ای تأثیرگذار و مؤسس حوزه و نحله‌ای جدید، محل رجوع و درخور بررسی است. پیش از اینکه سهروردی، خود واجد ارزش و اهمیت باشد، آثار و نتایج معرفتی که به بار نشانده، همگی واجد اهمیت و توجه ویژه است و آن اینکه او به نحوی مؤثر و مرموز، سه دنیای متفاوت از حکمت را در عصر خویش به هم پیوند داد و در تلفیق این سه حکمت کوشید، یعنی دنیای حکمت ایران پیش از اسلام، دنیای حکمت یونان باستان و دنیای تصوف اسلام. به علت تلفیق و ترکیب این سه دنیای متفاوت، شاید به گمان برخی، او التقاطی باشد، اما نه چون ملاصدرا که به تعبیر برخی

از محققان، اندیشه‌هایش از مرز ترکیب و تلفیق گذشته و به متن آمیختگی و التقاط رسیده است، در عین حال مشکل بتوان سهروردی را به معنی امروزی کلمه، یک غربزده و یا یک ایرانی افراطی و همچنین یک مسلمان تندرو دانست.^(۳) سهروردی به زعم خود، رگه‌های مربوط و جدا شده‌ی سه کانون تفکر ایرانی، یونانی و اسلامی را مانند رشته‌های ظریف و درخشان مروارید، طوری به هم بند کرد و متصل نمود، گویی آن سه حکمت، در اصل اجزای جدا شده‌ی یک پیکر بوده‌اند که با معماری حکمی سهروردی دوباره به مواضع اصلی خود بازگشته‌اند. کار مهم دیگر سهروردی در جریان تبیین‌های صوفیانه و اشراقی‌اش از هستی، کشف عالم مثال بود که آن هم حدیثی شنیدنی است. ابداع و قدرت نبوغ و خلاقیت سهروردی در آفرینش داستان‌های تمثیلی که تقریباً تا قبل از او بی‌سابقه و کم نظیر بوده، خود بُعد دیگری از ابعاد اندیشه‌ی این فیلسوف اشراقی است. زبان رمزی و تمثیلی سهروردی در پرداختن آثار داستانی به دو زبان عربی و فارسی برای کسانی که به شکوهمندی

نثر فارسی و آثار نوشته شده در این باره می‌اندیشند، برآستی شگفت‌آور و تحسین‌برانگیز است. سهروردی با نوشتن این آثار، قدرت و ظرفیت بیشتری به نثر صوفیانه بخشیده است. سهروردی در قلمرو تعقل و خردورزی توانست بر ضربات مهلک و سخت و بی‌مهابانه‌ای که غزالی طوسی بر اندام نحیف شده‌ی فلسفه یونانی اسلامی شده وارد کرده بود، ضربه‌گیری کرده و پیکر نیمه‌جان فلسفه را جان‌بخشی کند، گرچه کمی دیر و بعد از وفات غزالی، اما کارآمد و مفید، درست مانند آبیاری بوقت باغبان بر گل‌ها و گیاهان پژمرده و پلاسیده‌ی باغ و گلزار. مبنای حکمت سهروردی بنا به گفته‌ی خود او، براساس اصل نور و روشنایی است: «قد احینا حکمتهم النوریه»^(۴)، بنابراین ما نیز مجازیم که حکمت و مکتب فکریش را «حکمت نوریه» بنامیم و منظور او از حکمت نوریه، قطعاً حکمت رایج در ایران باستان یا همان «حکمت خسروانی» بوده است. سهروردی برای اثبات مدعای خود، نیازی به رهیافت‌ها و براهین دینی هم نداشته، بنابراین بارها از آیات قرآن استفاده و به آنها استناد

کرده و سخنانش را مزین به حکمت دینی نموده است. با در دسترس بودن تحقیقات وسیع و جامع الاطراف درباره سهروردی که در بخش نخست این کتاب به آنها اشاره خواهد شد، شاید تحقیق حاضر در دیدگاه خوانندگان که آن را برای خواندن در بر گرفته‌اند، چیز تازه‌ای برای گفتن و ارائه دادن نداشته باشد، اما باید خوشبین بود که در هر خوانشی جدید، امکان یافتن نکات بدیع، دور از ذهن نخواهد بود. باید اعتراف کرد که سیر دیدگاه‌های فلسفی بویژه در دوران جدید، موقوف و منوط به رهاوردها و رهیافت‌های فلسفه‌ی قدیم نیست، به همین قیاس فلسفه‌ی اشراقی، نسبت به رقیب دیرپای خود، فلسفه‌ی مشائی، توفیق رشد کندتری داشته و همچنین توفیق همسویی با مبادی اندیشه‌ی جدید و مفسران و شارحان معاصر را نسبت به حکمت رقیب خود کمتر داشته است، اما با همه‌ی این احوال باید اقرار و اعتراف کرد که هنوز رگه‌های درخشان الماس و دیگر احجار کریمه و فلزهای گرانبها، از معادن فرسوده و قدیمی که حتی به نظر بی‌ارزش و متروکه‌اند، بدست می‌آیند. پژوهش حاضر بدون اینکه قصد

بردن. و انتقال دادن خواننده به عصر و دوران
 سهروردی را در سر داشته باشد، صرفاً به منظور
 فهم یک اندیشه و به گفتگو در آوردن
 سهروردی برای مخاطب امروزی نوشته شده
 است تا بدانیم که گذشتگان در ساحت یک
 اندیشمند چسان و چگونه و در چه فضاهای
 فکری تنفس کرده و مریسته‌اند؟! پژوهش
 حاضر که از سر ذوق و علاقه به پژوهش‌های
 عرفانی فکاشته شده، در آغاز طرحی برای
 پایان‌نامه‌ی تحصیلی نگارنده بوده، اما نه با این
 نام و عنوان و شکل ظاهر، بلکه به صورت و
 محتوایی دیگر، زیرا در دانشگاه که امروزه
 بیشتر محل اخذ مدرک است تا مرکز حصول
 ادراک، مجال تأمل عمیق و مفصل در این باره
 نه ممکن بود و نه هموار و پرفایده، و همچنین
 استادی که کشش فهم فلسفی اندیشه‌های
 سهروردی بر او آسان نشیند، در آن زمان
 کمیاب و دیریاب بوده است، در نتیجه نگارنده
 بر آن شد که پس از فراغت از تحصیل، به حد
 وسع خویش، فصلی را به کاوش‌های فلسفی و
 دیگر آثار شیخ اشراق اختصاص دهد که ضمن
 جبران کاستی‌های گذشته، معرفتی جدید را نیز

دنبال کرده باشد و این نوشته محصول آن انگیزه‌ها و پویه‌ها است. آنچه سهم سهروردی را در این میان از سایر همگنانش ممتاز و متمایز خواهد کرد، نگاه ویژه‌ی او در پردازش ادبیات داستانی است که از این شیوه به عنوان قالبی در ارائه‌ی داستان‌های تمثیلی و عرفانی، نهایت استفاده را برده است که امروزه می‌توان از فرم و نگاه سهروردی بهره‌ها برد و نکته‌ها آموخت. سهروردی از جمله عارفان شهیدی است که در راستای شخصیت‌هایی چون؛ حسین بن منصور حلاج، عین‌القضاة همدانی و عمادالدین نسیمی قرار دارد که جان بر راه عقاید خویش گذاشت تا به نوعی پیوند خویش را با معرفت ازلی هستی اثبات کند. شناخت اندیشه‌ها و آثار این مردان، مقدمه‌ای برای شناخت اندیشه‌ی ایران‌شناسی است، ایرانی که در دوران معاصر، مجالی برای پرداختن عمیق به او از کف ربوده شده است. با سهروردی و نگاه عمیق‌تر به او، از سه مرز پرگهر گذر خواهیم کرد؛ اندیشه‌های حکیمان ایران باستان و رهاوردها و رهیافت‌هایشان، اندیشه‌های یونان باستان و میراث‌ها و ارمغان‌هایی که از

آنان بدست سهروردی رسیده، و اندیشه‌های صوفیان اسلام. امید می‌رود که این نوشته بر بصیرت ایران‌شناسی که سهروردی بخش مهمی از اندیشه‌هایش را وامدار آن است، بیفزاید که به تنهایی، خود سهمی عمیق در پرورش آن دو بخش دیگر؛ اندیشه‌های صوفیانه و حکمت یونان باستان داشته و ایران همواره نقطه‌ی کانونی و گاهواره‌ای برای رشد این اندیشه‌ها بوده است.

بی‌نوشت‌ها؛

(۱) راینر فونک، نقل به مضمون از اندیشه‌های اریک فروم: شجاعت آدم بودن ص ۱۰۵. راینر فونک. ترجمه‌ی طاهره محمدعلی‌زاده، انتشارات آشیان. چ اول ۱۳۹۵.

(۲) نویسنده کتاب «التعرف لمذهب اهل التصوف».

(۳) معروف است که فخرالدین ماردینی همواره درباره‌ی او بیمناک بوده است.

(۴) «کلمة التصوف» از شیخ اشراق.